

دموکراسی عمل گرایانه

ترجمه مریم وتر

- Law, Pragmatism and Democracy
- Richard A. Posner
- Harvard University Press
- 2003, 398 P.

دارد، ولی نتیجه گیریهای آن خالی از اعتبار است. این کتاب درباره مفهوم «عمل گرایانه» [پراگماتیستی] دموکراسی و نظام حقوقی آن است؛ حدود سه چهارم کتاب درباره دموکراسی و یک چهارم آن درباره نظام حقوقی آن است. به اعتقاد پوسنر بسیاری از دانشگاهیان (ببینید چگونه دانشگاهیان را تحقیر می کند) و بسیاری از لیبرالهای چپ دموکراسی را بد فهمیده اند، از دید آنان، دموکراسی یعنی مشارکت همه مردم در سیاست، مشورت تک تک افراد جامعه با دوستان و همسایگان و رای دادن با ذهنی روشن و تا حدودی نوع دوستانه و ایثارگرانه (مصلح عمومی). به نظر پوسنر، چنین جامعه و مدینه فاضله ای تحقق نیافتنی است.

پوسنر که من هم با او موافقم، ترجیح می دهد دموکراسی را نظامی تعریف کند که در آن ما به رهبران رای می دهیم تا آنها و نه ما، در سیاست مشارکت کنند. بخشی از دیدگاه پوسنر مبتنی است بر پر رنگ کردن مفهوم دموکراسی شورایی (نوعی که در بند پیشین شرح داده شد و با برداشت او از دموکراسی عمل گرایانه مغایرت دارد) که در میان فعالان سیاسی و دانشگاهیان رایج است و دقیقاً به این دلیل که خودشان به مسائل سیاسی علاقه مندند به سادگی تصور می کنند که همه افراد دیگر هم باید چنین باشند. همچنین آنها احتمالاً با کسانی رفت و آمد می کنند که علائق مشابهی دارند و در نتیجه عقایدشان را تقویت می کنند. برداشت پوسنر از دموکراسی عمل گرایانه از زوایای مختلفی در مقابل دموکراسی شورایی قرار دارد و از آن دفاع می شود.

به یاد داشته باشید که پوسنر نمی گوید که ما نباید برای افزایش مشارکت مردم در سیاست تلاش کنیم، بلکه معتقد است اینکه همه انسانها توانایی، مسئولیت و علاقه کافی برای تحقق آرمانهای شورایی را داشته باشند هدفی است که نمی تواند ساختار جامعه را به طور صددرصد تغییر دهد.

بخش دوم کتاب درباره حقوق و مفهوم عمل گرایانه آن است، یعنی حقوق به منزله بسط استدلال عملی، نه استدلال قانونی؛ اما بسط آنچه پوسنر نشان می دهد آن قدر هم عینی نیست. در حالی که به قضات توصیه می شود که قانون را در صورت وضوح و روشنی دستور عمل آن رعایت کنند.

در مورد پرونده های دشوار (برای مثال، وقتی که نمی توان یک ماده قانونی را به مورد اجرا گذاشت یا دارای ابهام است) باید چنان رفتار کنند که گویی قانونی را که قبلاً وجود نداشته است وضع می کنند. او در یک بحث مستدل بسیار کلی، حداکثر از نتایج سخن می گوید. چرا این موضوع فی نفسه او را به فعالیت تمام

ریچارد ای. پوسنر یک میهن پرست خردمند و آینده نگر است. این کتاب همچون کتابهای دیگرش، بی آن که بخواهیم درباره ارزش آن گزاره گویی کنیم، خواننده را به تفکر وامی دارد. او نویسنده بسیار معتبر و حقوقدان مشهوری است، اما تفسیرهای دقیق او هر چند تفکر را بر می انگیزند، ولی با واقعیت سازگاری ندارند.

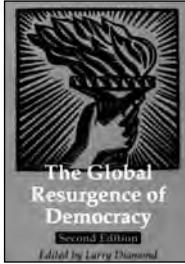
من حرف او را می فهمم که می گوید قانونگذاران و حقوقدانان در حال حاضر موضعی بسیار تدافعی و پرتنش با مردمی دارند که فکر می کنند آنان از دسترسی به نظامی که قرار بود در آن قانونگذاری کنند و قوانین را به اجرا در آورند ناتوان اند. شاید اشتباه می کنم ولی با آنچه در این کتاب خواندم موافق نیستم. نظرات او با انشاء جملات دشواری که استعاره مبهمی از عقایدش را به بیان می کشند ارتباط اندکی با هم دارند و آشفته به نظر می رسند.

قانون باید تا حدودی پویا و انعطاف پذیر باشد، اما این بدان معنا نیست که بگوییم قانون را باید بدون تفسیر مو به مو از قوانین فهمید، بلکه قانون بدون نرمش و انعطاف پذیری امکان پذیر نیست. ما برای تفسیر قوانین از تفسیر دقیق و مو به موی قانون اساسی بهره می گیریم. من با این نکته هم موافقم که قوانین سرزمینی که دارای قانون اساسی است باید تاحلوی قابل پیش بینی باشند، و دقیقاً به همین دلیل است که ما قانون مدنی ناپلئونی نداریم. با این حال، باید نرمش داشته باشیم تا بتوانیم با درجات متفاوت شرایط اجتماعی که کیفیات مخفیه را امکان پذیر می کند هماهنگ شویم.

نظام قضایی ما مبتنی بر این برداشت است که حرفهای دو طرف دعوا شنیده شود و سپس به اختلاف پایان داده شود.

دموکراسی شهروندان عادی را تا حد زیادی مسئولیت پذیر می سازد. هر وکیل که در برابر هیئت منصفه ایستاده باشد با خطا پذیری نظام آشناست، اما اعضای هیئت منصفه قادرند از پس مشکلات برآیند و آنچه را درست است انجام دهند. من قبول دارم که هرگز همه شهروندان از روی میل مسئولیت پذیر نمی شوند، ولی بدون صدای پرتنن این نیمکت نشینان، دولتمردان منتخب حرارت سنجی ندارند که با آن بتوانند رهبری شان را پیش برند.

استقرار دموکراسی مستلزم همکاری و گفت و گو است و مسلماً جامعه عمل خواهد پوشید. کشور ما هنوز می تواند از هر چاله ای بیرون بیاید زیرا راه گفت و گو در آن باز است و مردم ما شوق آن را دارند که صدای شان را به گوش برسانند. به نظر من با آنکه کتاب بحث زیادی پیرامون تاریخ و فرایندهای قانونی و قضایی



- The Global Resurgence of Democracy
- Larry Diamond Marc F. Plattner
- Johns Hopkins
- 1996

دایاموند و پلتنر کتاب روزآمد و ارزشمندی را نسبت به کتاب سال ۱۹۹۳ شان ارائه می‌کنند که شامل مقالات مجله دموکراسی از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ است.

اولین بخش کتاب که مقدمه‌ای جامع و کامل به آن استحکام می‌بخشد موج سوم دموکراسی کردن، بی‌نظمی نوین جهانی و تعاریف و خطرات دموکراسی را مطرح می‌کند. مقاله‌هایی درباره گزینشهای نهادی، مسائل ساختاری دموکراسی را با چشم‌اندازی گسترده درباره مسائل ریاست جمهوری، مجلس، مشروطه و قانون اساسی و نیز نمایندگان به بحث می‌گذارد. بخش جدیدی درباره جامعه مدنی عرصه‌ای را مورد بحث قرار می‌دهد که دانشمندان علوم سیاسی نسبت به آن توجه جدیدی دارند. هشت فصل جدید کتاب بخش تقریباً خوش‌بینانه‌ای را درباره دورنماهای دموکراسی تشکیل می‌دهند.

نقطه قوت این کتاب به منزله یک وسیله آموزشی این است که هم فصلهای نظری ارائه می‌کند، هم فصلهای تطبیقی. برای نمونه، شماری از مقاله‌ها عام‌اند و تناقضهای ذاتی همه دموکراسیها یا شکاف بین مفاهیم دموکراتیک و واقعیتهای سیاسی را مطرح می‌کنند. مقاله‌های دیگر خاص کشور یا منطقه‌ای ویژه هستند مانند جامعه مدنی در روسیه یا کثرت‌گرایی در جهان عرب.

نقطه قوت دیگر این کتاب درهم‌آمیزی مکرر دغدغه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. در چندین فصل مجزا و در کل مجموعه به خواننده یادآوری می‌شود که نهادها، گردشهای پولی و غیره در خلأ عمل نمی‌کنند، بلکه بر هم تأثیر می‌گذارند و یکدیگر را تغییر می‌دهند. این تأثیر و تغییر همیشه برای بهتر شدن نیست. فصلهایی از کتاب به تأکیدات اقتصادی و تکنوکراتیک در کشورهای رهایی یافته از کمونیسم و تقسیم‌بندیهای قومی و توسعه نیافتگی در آفریقا می‌پردازد.

این کتاب با تأکید بر پژوهشهای منتشر شده در مجله دموکراسی، مجموعه‌ای ارزشمند برای رویکردهای نظری و تطبیقی دموکراسی کردن در اختیار استادان و مدرسان قرار می‌دهد. مقاله‌های این کتاب بحثهای متفکرانه‌ای درباره مسائل محوری در بین دانشجویان من برانگیخت. چنین حوزه‌سیالی داده‌هایی دائماً روزآمد نیاز دارد و من در مقام بررسی‌کننده این کتاب، در انتظار بهره‌گیری از ویراستهای بعدی این کتاب هستم.

ترجمه گودرز میرانی

دموکراسی یعنی مشارکت همه مردم در سیاست، مشورت با دوستان و همسایگان و رای دادن با ذهنی روشن و تا حدودی نوع دوستانه و ایثار گرانه

درباره دو موضوع فلسفه عملگرا و حقوق عملگراست، ولی هرگز ارتباط این دو را مورد بحث قرار نمی‌دهد

عیار قضایی نمی‌کشاند؟ زیرا شمار اندکی از نتایج این چنین فعالیتی در صورت تغییر بیش از اندازه اجرای یک ماده قانونی، تداوم نخواهند داشت.

زیرا نتایج چنین فعالیتی فاقد اعتبار قضایی‌اند و از توانایی مردم برای اعمال قانون می‌کاهد. آنچنان که نمی‌توانند قوانین را آن طور که می‌خوانند به کار بندند. به اعتقاد پوسنر، اشخاص عادی باید بتوانند پیش‌بینی کنند که قاضی چگونه حکم می‌کند. او به طور خاص به دو پرونده متوسل می‌شود: بوش در برابر گور و استیضاح کلینتون (که به دلیل از این شاخه به آن شاخه پریدن، نمی‌تواند به قدر کفایت به آن بپردازد). متأسفانه، در صورتی که شما اگر دو کتاب پوسنر، یعنی بوش در برابر گور و استیضاح کلینتون و نیز مقاله «مسائل رویه قضایی» او را خوانده باشید (نگاه کنید به نقد من)، می‌توانید از این بخش بگذرید.

کتاب اشکالات دیگری هم دارد، از جمله این که درباره دو موضوع فلسفه عملگرا و حقوق عملگراست، ولی هرگز ارتباط این دو را مورد بحث قرار نمی‌دهد. شاید تصور می‌کند که ارتباط آنها امری بدیهی است، اما یکی نتیجه دیگری نیست. همچنین میل پوسنر به جامع الاطراف بودن که موجب می‌شود دائماً از این شاخه به آن شاخه ببرد، در این کتاب مشهودتر است. به ویژه فصل کلسن در برابر هابیک در قانون به نظر نامربوط می‌رسد. نمونه عجیب دیگر این است که وقتی پوسنر برای اولین بار پرونده بوش در برابر گور را مطرح می‌کند به یک بحث طولانی درباره طرفهای سوم منتهی می‌شود بدون آنکه به طور کامل به مسئله اصلی بپردازد، و در حالی که حس کنجکاوی خواننده را برانگیخته است، در پایان فصل دیگر به هیچ عنوان از پرونده بوش و گور خبری نیست. ایراد سوم این است که بسیاری از این نظرات را قبلاً در کتابهای دیگر پوسنر خوانده‌ایم (که من شدیداً خواندن آنها را علاوه بر این یکی توصیه می‌کنم). در کتاب حاضر اندکی عمیق‌تر به مفهوم دموکراسی و حقوق عملگرا پرداخته شده است.

روی هم رفته، این کتاب جذاب و خواندنی و نشانه هوش سرشار و درک عمیق پوسنر است. من به خاطر ایرادات فوق، هیچ امتیازی را از کتاب کم نکردم، زیرا اگر این ایرادات نبودند کتاب می‌توانست هفت امتیاز داشته باشد (البته اگر چنین چیزی ممکن بود!).

مثل بسیاری از افراد دیگر، با بسیاری از نظرات پوسنر مخالفم (نظراتی نزدیک‌تر به اسکالیا را ترجیح می‌دهم)، ولی باید اذعان کنم که حقوق بدون این مرد کمی خسته‌کننده‌تر می‌شد.